

رضا درویشی بازیگر و کارگردان نمایش خواستگار اینترنتی:

با نمایش خواستگار اینترنتی به جامعه هشدار می‌دهیم

فقط به فکر شادی مردم هستیم



رضا درویشی متولد گلباف، کرمان است و ۳۵ سال سابقه کار نمایش و تئاتر دارد.

رضا درویشی متولد گلباف، کرمان است و ۳۵ سال سابقه کار نمایش و تئاتر دارد. در دهر چند شغل رسمی اش معلمی است، ولی عاشق و دل‌پسته‌ی تئاتر است. او این روزها نمایش «خواستگار اینترنتی» را در تالار عماد روی صحنه برده. نمایشی که با استقبال مخاطبان همراه است. با او در حاشیه‌ی یکی از اجراهای این نمایش گفت‌وگویی انجام دادیم که در ادامه می‌خوانید.

چه شد که وارد عرصه‌ی نمایش شدید؟
شوق و ذوق نمایش و تئاتر در همه‌ی کودکان وجود دارد و به نوعی همه‌ی بچه‌ها تئاتر بازی می‌کنند. خاله بازی، عروسک بازی و قایم موشک بازی را همه‌ی بچه‌ها بازی کرده‌اند. من هم مثل همه بودم و از این‌ها لذت می‌بردیم. منتهی در همه‌ی این‌ها علائق باید راهم را پیدا می‌کردم و من به نوعی به وسیله‌ی جشن‌هایی که در زمان قدیم برگزار می‌شد به تئاتر علاقه‌مند شدم. اولین کارم را در سال ۵۴ از روی توار سیاه بازی سعدی افشار برای جشنی که در مدرسه بود اجرا کردم. همین پایه‌ی کار طنز من شد و وقتی شادی مردم را می‌دیدم لذت می‌بردم. ژانرهای دیگر تئاتر مثل تعزیه، نقالی و اساطیری را هم تجربه کردم اما آنچه خودم را راضی می‌کند کاری است که مردم را با آن شاد کنم.

در نمایش خواستگار اینترنتی دنبالب ارانه‌ی چه نوع کاری هستید؟
این نوع نمایش با نمایش مبارک عاشق می‌شود که در سال گذشته اجرا کردم آغاز شد. استقبال از آن نمایش خیلی زیاد بود و در مدت اجرای نمایش قریب به ۱۲ هزار نفرکار را دیدند. این استقبال انگیزه‌ی برای ما شد که این نوع نمایش را ادامه بدهیم. برای همین نمایش خواستگار اینترنتی را شروع کردیم و مدت ۸ ماه با ۲۷ نفر عوامل کار تمرین شد. موضوع کار دربراه‌ی استفاده‌ی نادرست از اینترنت است که عواقب بدی برای جامعه به همراه دارد. البته

ما منکر استفاده از ابزار و تکنولوژی نیستیم. ولی آمار نشان داده است آن‌هایی که از طریق اینترنت برای ازدواج گول می‌خورند بسیار زیاد هستند. ما خواستیم با این نمایش به جامعه هشدار بدهیم.
تعریف خودتان از نوع نمایشی که اجرا می‌کنید چیست؟
من ۲۳ سال تجربه‌ی کار تئاتر و نمایش دارم و از شروع کارم هر سال به این تجربه افزوده شده است و در این مدت به این نتیجه رسیدم که باید با سلیقه‌ی مردم کار کرد. الان نوع نمایشی که اجرا می‌کنیم تلفیقی از نمایش با موزیک، گروه کر و آوازهایی است که مردم از آن‌ها خاطره دارند. مردم با شنیدن این آوازها شادی‌شان دو چندان می‌شود و نمایش برایشان خسته کننده نیست، الان با گذشت ۱۰ شب از اجرای نمایش، استقبالی که از کار شده خیلی بیشتر از سال گذشته است. هر چند ما بحال زده‌ی مردم هستیم. چون هرشب علاوه بر ظرفیت ۳۵۰ نفری سالن، تعداد زیادی پشت درب تالار می‌مانند. این نشان می‌دهد که مردم شادی را دوست دارند و این نوع نمایش به ذائقه‌ی آن‌ها خوش می‌آید.

پس شما طبق سلیقه مردم کار

از پیام هم باشد خود آن مثبت است. چون اگر ۱۰ هزار نفر بیایند و شاد شوند، این انرژی و شادی را به ۱۰ هزار نفر دیگر هم می‌دهند و در نهایت جامعه‌ی شادی داریم.
کارهایی که در سبک شماست در این چند سال هیچ تحولی نداشته و همان روند همیشگی را طی می‌کنند چرا اینگونه است؟
چرا تحول نداریم، خیلی خوب هم داریم. روند کارهایمان این را نشان می‌دهد. امسال تماشگران هنر دوست ما به ما می‌گفتند دستانت درد نکنند این کار یک سر و گردن از کارهای قبلی‌تان در میزناسن. متن، حرکت، فضا سازی نمایش، دکور و نور بالاتر بود. این‌ها وجه هنری کار است، درجا زدن و تکرار باعث افت کار می‌شود حتی ما در نمایش امسال سعی کردیم تکرار حرکات سال قبل نباشد و سعی می‌کنیم کارمان را کامل کنیم. دوستان هنرمندان همه معتقد بودند کار ۵۰ درصد رشد داشته است.

چرا در کارهای قبلی‌تان به قول خودتان سطحی‌نگر بودید؟
شاید به خاطر دل مردم سطحی کار می‌کردم، چون در بعضی از کارها نمی‌شود هم به محتوا پرداخت و هم شادی مردم را مد نظر قرار داد. برای همین در بعضی کارها ما جنبه محتوایی کار را کمتر مد نظر قرار می‌دادم تا مردم لحظات شادتری در نمایش ما داشته باشند.
اگر محتوا نداشته باشد و فقط شادی را هدف قرار بدهد باز هم آسایش تئاتر است؟
چرا نباشد؟ تئاتر سنتی ما روحوضی، سیاه بازی و دلقک بازی بودند که وجه طنز دارند و جزو آیینی‌ترین نمایش‌های ما هستند. اگر اسم این‌ها تئاتر نیست، پس من هم کارهای اساطیری یونان را تئاتر نمی‌دانم. همان کارهایی که بعضی‌ها اجرا می‌کنند و در آن حرکات زیادی وجود دارد و خود کارگردان هم نمی‌فهمد چه کار می‌کند. کارهای نقالی، تعزیه، سیاه بازی و معرکه گیری ریشه تئاتری دارند. من دنبال سبک پوچ‌گرایی نرفتم و نخواستم و نمی‌خواهم که بروم و این گونه کارها را داشته باشم. من مردمی کار می‌کنم.

نیاید و در جایی دیگر کسی طبیعت زیبایی را به تصویر بکشد که همه بگویند قشنگ است. من هم ممکن است نتوانسته باشم نقاشی‌های برجسته‌ای بکشم، اما توانستم طبیعتی زیبا مگر گروهی که ۲۸ نفر هستند چقدر از این کار درآمد دارند؟ اگر استقبال خیلی زیاد هم باشد شاید هزینه‌ی یک ماه تمرین گروه را هم تأمین نکند. این کار ما فقط برای ارضای دل خودمان و شادی مردم است. هر چند امسال استاندارد صمیمانه ما را پذیرفتند و بخشی از هزینه‌ی گروه را متقبل شدند، اما با همه‌ی این‌ها ما بعد معنوی کار و شادی مردم را مد نظر قرار دادیم.
فکر می‌کنید مردمی که از کار شما استقبال می‌کنند صرفاً سرگرم شدند و یا یک اثر هنری را دیده‌اند؟
شاید در کارهای قبلی هدفمان سرگرمی مردم بود و بعد پیام کارمان کم‌رنگ به نظر می‌رسید، اما درنمایش اخیر فقط هدفمان سرگرمی نبود. خواستیم به مردم پیامی بدهیم و فکر کنم موفق هم بودیم. البته هر کاری نقص‌های خودش را دارد؛ نمی‌گویم کار ما بی نقص است. از بعد هنری درنقشی امکان دارد مردم آتری از نقاش برجسته‌ی دنیا ببینند. اما نتوانند آن را بفهمند و خوششان

صدا درصدا؛ هنر برای هنر نیست. هنر برای مردم است. من هنر را برای مردم می‌خواهم. هنر برای بازار و درآمد نیست. مگر گروهی که ۲۸ نفر هستند چقدر از این کار درآمد دارند؟ اگر استقبال خیلی زیاد هم باشد شاید هزینه‌ی یک ماه تمرین گروه را هم تأمین نکند. این کار ما فقط برای ارضای دل خودمان و شادی مردم است. هر چند امسال استاندارد صمیمانه ما را پذیرفتند و بخشی از هزینه‌ی گروه را متقبل شدند، اما با همه‌ی این‌ها ما بعد معنوی کار و شادی مردم را مد نظر قرار دادیم.
فکر می‌کنید مردمی که از کار شما استقبال می‌کنند صرفاً سرگرم شدند و یا یک اثر هنری را دیده‌اند؟
شاید در کارهای قبلی هدفمان سرگرمی مردم بود و بعد پیام کارمان کم‌رنگ به نظر می‌رسید، اما درنمایش اخیر فقط هدفمان سرگرمی نبود. خواستیم به مردم پیامی بدهیم و فکر کنم موفق هم بودیم. البته هر کاری نقص‌های خودش را دارد؛ نمی‌گویم کار ما بی نقص است. از بعد هنری درنقشی امکان دارد مردم آتری از نقاش برجسته‌ی دنیا ببینند. اما نتوانند آن را بفهمند و خوششان

سینمای کرمان در جشنواره فجر دیجیتالی شد



نمایش تعداد بیشتری فیلم میسر می‌گردد. اما فیلم‌های ارسالی به کرمان می‌توانست با انتخاب بهتری همراه باشد. در میان ۲۰ فیلم نمایش داده شده در کرمان تنها نیمی از آن‌ها جزو آثار شاخص جشنواره به حساب می‌آیند و این در حالی است که جای فیلم‌هایی مانند «چند متر مکعب عشق» و «شیر ۱۴۲» به فیلم منتخب جشنواره و... که در کرمان تولید و همچنین هنرمندان کرمانی در آنها به ایفای نقش پرداخته بودند و برخی دیگر از آثار شاخص جشنواره خالی بود و این امکان بود که با پیگیری بیشتر شاهد نمایش این فیلمها در کرمان باشیم.
در طول جشنواره تعدادی از فیلم‌ها تغییر یافت که البته امری ناگزیر بود. جدای از نکات یاد شده اطلاع‌رسانی و توزیع بلیط می‌توانست با برنامه ریزی بهتری انجام شود تا این امکان فراهم گردد که تعداد بیشتری فیلمها در این جشنواره بهرمنند شوند. اما در پایان این جشنواره مراسم اختتامیه با وجود زحمات مجریان آن چندان مراسم خوب و در خور شایانی برای اهالی فرهنگ و هنر کرمان نبود. شاید مهمترین دلیل این ضعف مربوط به بودجه‌ی بسیار اندک اختصاص یافته بود. به طوری که برگزاری جشنواره با همین سطح و اندازه با توجه به هزینه‌های لازم و بودجه‌ی اندک کار دشوار و قابل‌تقدیری است. جشنواره فیلم فجر با وجود کاستی‌ها مورد استقبال تماشاگران کرمانی قرار گرفت و جدای از تجهیز سینما شهرت‌ماشا به سیستم مطلوب پیش صدا و تصویر به شیوه‌ی دیجیتال به واسطه این رخداد مطمئناً برگزاری چنین جشنواره‌هایی با توجه به ایجاد امکانی برای استفاده علاقمندان و اهالی فرهنگ کرمان امری خوشایند و مطلوب است که امیدواریم در سالهای آتی نیز تداوم داشته باشد.

نقد و بررسی برک‌های گل آلود؛ سروده‌ی مهدی حسینی باقری سرودن بی اعتنا به سطر

می‌دوند میان خواب آدم... ص ۶۱
"گفتی برنده‌ای از قلبت گذشته‌است / پروازش را چند سطر درمیان بال زدی / که این گونه از هرم گرما تب زده‌ای... ص ۶۹"

بسیاری از سطرهای دیگر این مجموعه اما همانطور که اشاره شد، لحن موسیقایی خاصی را نشان نمی‌دهد؛ به مانند: "نشانی از من داری، / یا به عیب جنگل خشکیده را می‌جویی؟" ص ۵۷
تصویر
عمده‌ی قدرت شاعر رفسنجانی در سروده‌هایش تصویر سازی است، با این توضیح که تصویر در شعر امروز دیگر کبکی برداری از تصویبرهای واقعی و عینی نیست. در عرصه‌ی هنر امروز این وظیفه بر روی سطرهای گذشته شده‌است، از این روی سطرهای زیر که کبکی برداری از واقعیت موجود است، و یا تشبیهی ساده

رویکرد موسیقایی به زبان

بدیهی است که استفاده از وزن یا موسیقی در شعر آزاد، نه قانون مشخصی دارد و نه قاعده‌ی خاصی، با این وجود نباید از یاد برد که یکی از وجوه تعیین کننده‌ی «شعریّت» در «شعر فارسی» همین موسیقایی زبان شاعرانه است که از طریق کلمات خود را به رخ می‌کشد؛ لاقلاً از منظر نگارنده و بسیاری از منتقدان دیگر، چنین است.
اکنون با در نظر داشتن سروده‌های حسینی باقری باید گفت که این شاعر اگرچه بسیاری نگارنده در این فرست و سطرهایی موسیقایی شده، اما به طور کلی چنین وسواسی را در زبان شاعرانه‌ی خود ندارد؛ چند سطر از مجموعه‌ی «برک‌های گل آلود» را با توضیحی بیشتر بپیرامون لحن موسیقایی‌شان مرور می‌کنیم:
همانطور که گفتیم کشف موسیقی کلام در شعر آزاد، قانون تعیین شده‌ای ندارد، به زبانی دیگر کشف این قانون بر عهده‌ی شاعر است. اما هنگامی که سطر "تا زانو تو شبم / ص ۶۱" را می‌خوانیم در می‌یابیم که شاعر با کنار هم نشانندن هجاهای بلند یا کشیده (تنها یکبار استفاده از هجای کوتاه) احسانی تراژیک و با شکوه را در این سطر جلوه‌گر ساخته‌است.
سطر دیگری از این شاعر نیز دقیقاً از همین لحن موسیقایی برخاسته:
"می‌خواستیم امروز ۲۳ فروردین باشد" (البته به شرط آنکه «۲۳» را «بیست و سوم» بخوانیم)؛ لحن موسیقایی این سطر نیز از کنار هم نشستن هجاهای بلند و کشیده برآمده‌است.

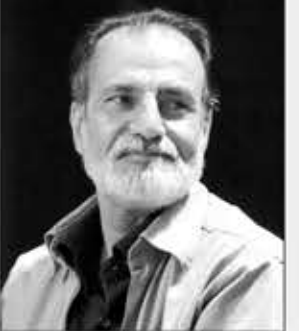


را به کار گرفته، تصویرهایی شاعرانه به حساب نمی‌آید:
"آفتاب / پشت ابرها / و من خیس از باران فرورد / یا گل‌دوردی در بستر... ص ۲۵"
"گیسوات" خاطرات سیاه من / که ره به سبیدی پیشانیات دارند... ص ۲۶
اما در عوض سطرهایی را که در ادامه می‌آید بخوانید و از شاعرانگی آن لذت ببرید:
"... بنویس پرید / آنکه پیاده می‌رفت تا صبح طلوعیده‌ی انگورها، ص ۷۸"
"سکوت پای درخت خیس آرام می‌گیرد ص ۴۲"
"تمام دل‌وایی را قدم زده‌ام ص ۲۲"
"تا زانو تو شبم / این روزها پاره‌نه

آگهی تعصبات شرکت تعاونی مسکن پردیس جی‌رت به شماره ثبت ۱۶۷۳ و شناسه ملی ۱۰۶۳۰۰۹۶۴۱۴
باستناد صورتجلسات مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده و هیئت مدیره مورخه ۹۶/۹/۲۷ و تأییدیه شماره ۶۳۳۵ مورخه ۹۶/۱۱/۱۶ اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شهرستان جی‌رت تغییراتی در شرکت فوق‌الذکر بوجود آمده که جهت اطلاع عموم آگهی می‌شود.
۱- عبدالرضا رادمنش و سودابه بلشلی با واگذاری تمامی سهام خود از عضویت شرکت خارج و طاهره افشارمنش با کم ملی ۳۱۱۱۳۵۶۵۶۶ و فاطمه پرتون با کم ملی ۶۰۶۹۸۵۰۱۹۱ به شماره عضویت شرکت در آمدند.
۲- بازرسان: محب شهریاری با کم ملی ۳۰۳۱۹۳۵۷۶۱ به سمت مدیر عامل، شهین امیرزاده کوفری با کم ملی ۳۱۳۰۱۲۰۴۴۴۴ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند.
۳- مدیران و دارندگان حق امضا: با توجه به استعفا احمد برخوری هنی از نائب رییس هیئت مدیره مسعود کوهی با کم ملی ۳۰۳۱۷۰۵۴۵۹۱ به سمت نائب رییس هیئت مدیره، محمد محمودی با کم ملی ۳۰۳۰۶۲۵۰۹۵ به سمت منشی هیئت مدیره و مدیرعامل برای مدت باقیمانده تصدی اعضا، هیئت مدیره

واکنش مدیر مسئول هفته‌نامه فردوس کویر به یادداشت سیدعلی میرافضلی

ریشه‌ها را سلاخی نکنیم



استقامت: بدنبال انتشار یادداشت سیدعلی میرافضلی در استقامت شماره ۴۲۳ در باره‌ی طنز کرمان، محمدعلی فردوسی مدیر مسوول فردوس کویر که زمانی نه چندان دور با کمک چند تن از روزنامه نگاران و طنزپردازان کرمانی می‌گرد، نسبت به این یادداشت واکنش نشان داد و مدعی شد نگاه میرافضلی در ارزیابی گذشته‌ی طنز کرمان منصفانه نبوده است. متن یادداشت را بخوانید.
طنز در کرمان جایگاه ارزنده‌ای دارد. این شروع یادداشتی بود که سیدعلی میرافضلی عزیز، شاعر، نویسنده و پژوهشگر کرمانی به بهانه‌ی برگزاری خارستان پنجم در هفته‌نامه استقامت نوشت. اگرچه جامعه به انتشار چنین نظرات تخصصی و کارشناسانه درمطبوعات محلی کرمان نیاز دارد تا از این رهگذر باب نقد و بررسی مقولات مختلف علمی، ادبی و هنری فراهم شود، ولی رعایت مذهب و بررسی همه جانبه‌ی موضوعات در نقد شرط مهمی است که باید به آن توجه شود.
آنچه نگارنده را برآن داشت تا ۵ سال پس از تعطیلی اجباری ویژه نامه‌ی طنز قینوس در هفته‌نامه فردوس کویر دست از دل بردارد و سکوت خود را بشکند اشاره به دو موضوع مهم است: یک: تأیید نظرات میرافضلی عزیز در باب محافظه کاری و عافیت طلبی مطبوعات محلی و دیگری انتقاد از ایشان به دلیل نادیده گرفتن و ارزش قدیم‌های نخستین و لیزان کودک نوپای طنز استانی، که حالا به گمان خودشن مرد بالغانی شده است. برهه‌ای مهم از تاریخ طنز این استان یعنی فاصله‌ی خرداد ۸۳ تا آبان ۸۵، که یکی از همین نشریات محلی (فردوس کویر)، بیشتر شکست نابوی طنز در استانی شد که مردمش به منزوی بودن در کشور مشهورند و این نشریه با ویژه‌نامه طنز خود (قینوس) با شجاعت راه ابزار وجود طنز پردازان و کاریکاتوریست‌های استانی بود که با حمایت موسسه فرهنگی مرغ، عامل برگزاری شب شعر و جشنواره هم می‌شود تا در این راستا امکان نهداین کردن این مقوله در جامعه فراهم و بنیانی محکم ساخته شود تا اهالی این هنر با امنیت خاطر، استعدادهای خود را شکوفا کنند و این مهم در دو جشنواره در دی‌ماه سال ۸۳ و مرداد سال ۸۶ محقق شد و با معرفی و تقدیر از طنزپردازان و کاریکاتوریست‌ها زمینه‌ی فعالیت در زمینه‌ی طنز به طور جدی در استان فراهم شد.
آنچه که تلخی‌ها را به کام دست اندرکاران این نشریه شیرین می‌کرد، هدفمند بودن آنان در شکوفایی طنز کرمان و پرورش استعدادهای بکری بود که به پاری خاوند انجام شد و امروز آثار پخته‌ی آنان را در جشنواره‌های گوناگون و برخی مطبوعات شاهد هستیم و مسلمانا وقتی پژوهشگری می‌گوید طنز در کرمان جایگاه ارزنده‌ای دارد، دل بر به نمر رسیدن این تلاش‌هاست.
اما عدم توجه میرافضلی به ریشه‌های این نهال که امروز شکوفا شده نوعی بی‌مهری است و گرنه نیت آدم‌های شجاع آن روز قینوس این نبود که مورد تأیید مردم قرار بگیرند و خودخواهانه‌هاشان ارضا شود و مورد تقدیر قرار بگیرند. بلکه غرض شکستن دعوت حذف ریشه‌ها از شاخ و برگ است که منافسانه در این کشور به شدت شایع است و گرنه در نهایت هیچ مرد بالغانی ذوق و شوق و ترس و تردید اولین قدم‌هایش را فراموش نخواهد کرد؛ حتی اگر اوصاف نوی پیچ و خم روزگار کم‌رنگ شده باشد.

انتخاب شدند:
۴- صورت‌های مالی سال ۹۱ به تصویب مجمع رسید.
۵- سایر مفاد آگهی‌های شماره ۱۷۷۴ مورخه ۹۰/۵/۲۵ و ۱۶۳۷۳ مورخه ۹۱/۶/۹ به قوت خود باقیست.
۶- آدرس سامانه وب شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری: http://ir.sherkatssaa.ir